



## وضعیت اینترنت زجردهنده است

غلامحسین کرباسچی، در گفت‌وگویی با «فرارو» درباره موضوع وفات ملی و لزوم عملی شدن آن گفت: «صحبت تنها از قصد ایجاد وفات در حال حاضر فایده‌ای ندارد. آقای پزشکیان باید از انتخابات گذر کند. او الان مسئول و رئیس جمهور است. مردم می‌خواهند نتیجه آن صحبت‌ها را ببینند. می‌خواهند ببینند آیا وفات شکل گرفته یا نه؟ مهمتر هم این است که مردم اثر این وفات را در زندگی خود حس کنند. اینکه کیهان بگوید فلان کار وفات نبود و دیگری بگوید وفات بود چیزی به نفع مردم نمی‌آید. بعضی اتفاقی‌ها مثل بازگشت دانشجویان و اساتید به دانشگاه خوب است، اما به نسبت توقعی که مردم در حال حاضر دارند، خیلی قابل توجه نیست.»

او ادامه داد: «مسئله وفات ملی، فراتر از این چیزی است که مطرح می‌شود. آقای پزشکیان باید برود با رهبری، مجلس، قوه قضائیه، سپاه، اطلاعات و نهادهای مختلف رایزنی کند. بالاخره مشکلات بزرگی در کشور هست که ایشان قول داده آن‌ها را در دوره ریاست جمهوری‌اش به جایی برساند. مثلاً موضوع اینترنت یکی از این موضوعات است. امروز اینترنت از صبح تا شب، با زندگی روزمره مردم سر و کار دارد. نمی‌دانم خارج هم این نارسایی‌ها هست که یک روز اشتباه انسانی رخ می‌دهد و یک روز کابل‌های گرجستان قطع می‌شود؟ از طرف دیگر، سرعت و کیفیت اینترنت مطرح است. با سلام و صلوات باید چیزی را باز کنیم یا فایلی را برای دیگران بفرستیم. این برای مردم واقعاً زجردهنده است. آقای پزشکیان باید به کارها سرعت بدهد. حدود سه ماه از انتخابات گذشت، باقی دولت چهاردهم هم به همین سرعت می‌گذرد.»

این فعال سیاسی اصلاح‌طلب تاکید کرد: «بنابراین معتقدم که رئیس‌جمهور باید سرعت اقدامات را بالا ببرد. این طور نباشد که مردم چشم به راه بمانند که وضعیت اقتصادی چه شد؟ سیاست خارجی چه شد؟ آیا شرایط بهتر می‌شود؟ مهم است که مردم نتیجه این سیاست وفاتی را ببینند. این اتفاقات باید در زمان مناسب بیفتد. تاکید می‌کنم که مردم باید نتیجه این وفات مدنظر رئیس‌جمهور را ببینند. مثلاً آقای پزشکیان بدون تشریفات و پروتکل می‌رود مجلس، خروجی‌اش این باشد که چهار مورد از گره‌ها و مشکلاتی که وجود دارد حل یا در مورد آن رایزنی شود. امیدواریم این اتفاق بیفتد. اگر نه، این بحث وفات هم تبدیل می‌شود به همان شعارهایی که تا امروز داده شده اما در زندگی مردم تاثیر نداشته است.»

کرباسچی با تایید اینکه مردم خیلی به سیاستمداران فرصت اشتباه نمی‌دهند، گفت: «۲۰ سال پیش، بحران‌های زندگی مردم مثل امروز نبود. ۲۰ سال پیش وضع تورم، گرانی، بیکاری و مسکن مثل امروز نبود. مردم امروز در زندگی‌شان از لحاظ اقتصادی با جامعه مواجه هستند. بعضی چیزهایی که می‌شنویم مثل اینکه خانمی قوری چینی خانه‌اش را برده تا در ازای آن نان بگیرد، اگر حقیقت داشته باشد فاجعه است. از ته دل می‌خواهیم که این‌ها دروغ باشد. اگر درست باشد شایسته جمهوری اسلامی نیست. به هر حال الان وضعیت جامعه طوری است که مردم از مسئولین توقع دارند که خیلی زمان را از دست ندهند. دولت خیلی چابک‌کار خود را آغاز کند. در بعضی کشورها ساختار اداری طوری است که فردای اعلام نتایج انتخابات، روال کارها مسیر طبیعی خود را طی می‌کند. دعوی حزبی و سیاسی هم با هم دارند، اما کار انجام می‌شود. اینکه مدت‌ها طول بکشد تا تودیع و معارفه‌ها صورت بگیرد، استاندارها منصوب شوند... زمان را از بین می‌برد. یعنی خیلی سریعتر و خیلی چابک‌تر باید کار شروع شود.»

این مدیر مطبوعاتی خاطر نشان کرد: «موانع مقابل آقای رئیس‌جمهور کم نیست. یکی از آن‌ها را اگر بخوایم بگوییم، ساختار فرسوده اداری و بخشی هم مدیران سالخورده هستند. نیروهایی که به نظر می‌رسد توان جوان‌ها را ندارند و برای رفع مشکلات مردم هم خیلی عجله‌ای ندارند. آقای پزشکیان باید از نیروهای جوان‌توانمند استفاده کند. باید سیستم اداری کشور را روی ریل بیاندازد. این سیستم باید فعال باشد. زمانی در این کشور کارگاه‌ها شبانه‌روزی کار می‌کردند و مردم تغییر را در شهرهای خود احساس می‌کردند. این اتفاق باید بیفتد. مردم باید این‌ها را ببینند که کمی امیدوار شوند. اینکه چند ماه بگذرد و دولت تازه بخواد راه بیفتد، زینده نیست.»



تاریخ  
سیاست

## بازخوانی خاطرات برخی چهره‌های سیاسی و نظامی درباره شروع جنگ ایران و عراق

# و اینک جنگ

خود را نزدیکتر کرده است و به او روحیه داد. ۱۵ مهر ۱۳۵۹ با سفیر شوروی در مجلس دیدار کرد و از او خواست اجازه ندهد صدام حسین با امکانات شوروی داعیه جنگ و کشورگشایی داشته باشد. ۲۰ مهر ۱۳۵۹ امام دستور تشکیل شورایی عالی دفاع را داد و اکبر هاشمی‌رفسنجانی به‌عنوان رئیس مجلس عضو آن بود. جلسات شورا اما به دلیل آنکه بنی‌صدر قصد داشت خودش تصمیمات را بگیرد جدی نبود. ۲۳ مهر ۱۳۵۹ برای شرکت در جلسه شورایی عالی دفاع و بازدید از مناطق جنگی به دزفول رفت... و در کتاب «انقلاب در بحران» که واکاوی خاطرات اکبر هاشمی‌رفسنجانی است نیز درباره روز ۳۱ شهریور چنین تصویری ترسیم شده است: «مردم شعله‌های آتش را در نقاط مختلف شهر تماشا می‌کردند. همه مضطرب بودند، حتی نماینده‌های مجلس که فریاد می‌زدند: پس نیروهای نظامی ما کجا هستند؟ همان روز هاشمی‌رفسنجانی، رئیس مجلس به دیدار امام خمینی رفت. آیت‌الله خمینی آرام و مطمئن بود و می‌گفت صدام مرگ خودش را نزدیک کرد. آنقدر نیرومند و مصمم این را گفت که هاشمی هم روحیه گرفت.»

### ایران در آغاز جنگ از زبان فرماندهان نظامی

درباره اوضاع ایران و عراق در آستانه جنگ ۸ ساله، حسین علیایی، از فرماندهان سپاه در دوره جنگ در کتاب «تاریخ تحلیلی جنگ ایران و عراق» می‌نویسد: «ایران [آن زمان] درگیر و مشغول ایجاد بسترهای قانونی برای تشکیل نظام جمهوری اسلامی پس از فروپاشی رژیم شاهنشاهی بود. در نتیجه دچار اختلاف‌نظرها و چالش‌های سیاسی بسیاری بود. از سوی دیگر دچار تروریسم و گروه‌هایی مثل فرقان و درگیری‌های مسلحانه گروه‌هایی همچون حزب دموکرات کردستان ایران و حزب خلق عرب وابسته به عراق در برخی از استان‌های مرزی بود. روابط خارجی ایران اساساً متحول و بسیاری از کشورهای دوست ایران تبدیل به دولت‌های متخاصم یا دولت‌های غیردوست شده بودند. امنیت داخلی در اولویت برنامه‌های دولت ایران قرار داشت و ایجاد یک دولت باثبات و نهادی قانونی مردمی مهم‌ترین دغدغه مسئولان کشور بود. چالش‌های شدیدی بین افراد و گروه‌های رقیب در صدر حاکمیت وجود داشت که عملاً موجب شد آنان به تهدیدهای مرزهای غربی کشور نگاه جدی نداشته باشند. از نظر ساختاری ایران قبل از آغاز جنگ فاقد نهادهایی مانند شورای عالی امنیت ملی بود که بتواند به‌طور منظم مسائل مربوط به تهدیدهای نظامی و امنیتی علیه کشور را بررسی و ارزیابی کند و بحران‌های امنیتی و دفاعی را مدیریت نماید... با اینکه پیش از آغاز جنگ تحمیلی، قرائن و شواهد بسیاری مبنی بر آمادگی ارتش عراق برای یک تهاجم گسترده به ایران وجود داشت، ولی یگان‌های ارتش کاملاً در مرزهای غربی کشور مستقر نبودند... دولت عراق با آغاز جنگ قصد داشت طرف چند روز یا چند هفته به یک پیروزی عظیم نظامی برسد. عراق سعی می‌کرد از طریق جنگ بر رودخانه اروندرود تسلط یابد و معاهده مرزی ۱۹۷۵ را ملغی اعلام کند.»

### ۱. علی صیادشیرازی از فرماندهان



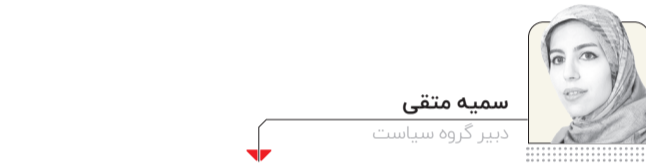
ارتش در گفت‌وگویی که سعید فخرزاده با او داشته، درباره شروع جنگ و اختلافاتش با ابوالحسن بنی‌صدر، رئیس‌جمهوری وقت گفته است: «همان زمانی که من مسئول منطقه (از مهران تا نزدیکی سردشت) بودم، مرتب

لحظات جنگ، لحظه‌ی شروع جنگ یا به تعبیر درست‌تر، زمانی بود که ما از حمله تجاوزگرانه عراق مطلع شدیم، همان طور که همه ملت ایران به یاد دارند، جنگ در بعدازظهر روز سی‌ویکم شهریور سال ۱۳۵۹ اتفاق افتاد. در آن روز من در کارخانه‌ای نزدیک فرودگاه مهرآباد سخنرانی داشتم و منتظر بودم وقت سخنرانی فرا برسد. ناگهان صدای عجیبی از پنجره‌ها و درها شنیدیم که ناشی از موج انفجار بود. برادران پاسداری که با من بودند، بلافاصله بیرون رفتند و خبر آوردند چند هواپیمای شکاری را در آسمان دیده‌اند که روی فرودگاه مهرآباد و جاهای دیگر بمب پرتاب کرده‌اند. طبیعتاً لازم بود من سخنرانی‌ام را که موجب تقویت روحیه کارگران می‌شد، انجام دهم. پس از انجام سخنرانی به سرعت به محل ستاد مشترک رفتم و با بقیه مسئولان کشور به بحث و بررسی این رویداد غیرمنتظره پرداختیم. برای ما جنگ، غیرمنتظره بود و هر چیز غیرمنتظره‌ای در آغاز، کمی به‌تازگی است و برای ملت ایران - که اطلاعات کمتری از مسائل جاری مرزی بین ایران و عراق داشتند و منتظر چنین وضعی نبودند و در جریان تحلیل‌های سیاسی و نظامی قرار نداشتند - بیشتر غیرمنتظره بود. بادم می‌آید در آن‌جا بحث شد که این مسائل را چگونه به مردم اطلاع دهیم و چطور به آنان توضیح دهیم در مقابل جنگی قرار گرفته‌اند که ابعاد و زمان آن مشخص نیست؟ بالاخره تصمیم جمعی بر این شد که من - به‌عنوان نماینده امام (ره) در شورای عالی دفاع و کسی که هر هفته از طریق نمازجمعه با مردم صحبت می‌کردم و آنها با مطالب و صدایم آشنا بودند - مطلب را با مردم در میان بگذارم. اطلاعیه‌ای تهیه کردم و در رادیو خواندم. بارها آن اطلاعیه پخش شد و مردم کشور اطلاع پیدا کردند که ما در حال جنگ هستیم... یادم هست در همان اوقات، سپاه اعتراض می‌کرد که ما در سمت غرب، نیروهای دشمن را می‌بینیم که سنگر کرده‌اند و نیروهایشان را آماده کرده‌اند و این اگر قریب‌الوقوع بودن حمله نیست، پس دلیل چیست؟ و همان وقت بعضی از مقامات نظامی که «بنی‌صدر» نیز حرف آنها را تایید می‌کرد، می‌گفتند: «خیر! هیچ حمله‌ای ما را تهدید نمی‌کند» بنی‌صدر هم به کسانی که می‌گفتند احتمال حمله وجود دارد، اعتراض می‌کرد و نمی‌گذاشت در این مورد سخنی بگویند.»

### ۲. اکبر هاشمی‌رفسنجانی، رئیس



مجلس وقت هم درباره روزهای منتهی به شروع جنگ در سخنانی در واکنش به خاطره‌ای از بازرگان که ایران را هم مقصر وقوع جنگ می‌دانند، می‌گوید: «انقلابی که تازه پیروز شده و مسئله تصفیه ارتش، پلیس، سازمان‌های اطلاعاتی و همچنین مسئله گروهک‌های فراوان چپ و راست و درگیر با جنگی مسلحانه در داخل کشور، چگونه می‌تواند عراق را تحریک به جنگ کند؟» البته در سالشمار زندگی اکبر هاشمی‌رفسنجانی در سایت او درباره شروع جنگ چنین آمده است: «۶۰ شهریور ۱۳۵۹ هم‌زمان با بحث‌های مرتبط با رأی اعتماد مجلس به کابینه، ارتش عراق ابتدا ارتفاعات زینل‌الکثیر کرمانشاه و سه روز بعد ارتفاعات میمک را تصرف کرد. ۲۶ شهریور ۱۳۵۹ صدام رسماً قرارداد الجزایر را ملغی اعلام کرد و گفت می‌خواهد بر آب و خاک عراق مسلط شود. ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ ارتش عراق از مرز زمینی گذشت و به‌خصوص به خوزستان حمله کرد و جنگنده‌های عراقی فرودگاه‌های ایران را بمباران کردند. جنگ رسماً آغاز شده بود. هاشمی نزد امام رفت و امام به او گفت صدام مرگ



سیمیه متقی

دبیر گروه سیاست

ایران در سال‌های آغازین پس از پیروزی انقلاب اسلامی همچون سایر انقلاب‌هایی که در جهان طی سده‌های گذشته رخ داد؛ آبستن حوادث مختلفی بود و فرازوفرودهای بسیاری را تجربه کرد؛ حوادثی که گاه در فضای داخلی براساس بی‌تجربگی‌ها، اختلافات، فرصت‌طلبی‌ها و آشفتگی‌ها شاهدش بودیم و گاه در سطح بین‌الملل به شکل درگیری با کشورهای دیگر مواجه‌اش شدیم. از جمله سخت‌ترین تجربه ایران در این سال‌ها جنگ با کشور همسایه، عراق بود که در بعبوجه اشغال سفارت آمریکا و بحث‌هایی که در پی آن برای ایران در سطح بین‌الملل رخ داده بود، در ۳۱ شهریورماه ۱۳۵۹ آغاز شد. درگیری‌ای که اگرچه براساس تاریخ و خاطرات چهره‌های شاخص و مسئولان کشور، وقوع آن بنا بر اختلافاتی که میان دو کشور بود؛ دور از انتظار نبود اما تبدیل شدنش به جنگ تمام‌عیار ۸ ساله از آن دست اتفاقاتی بود که به ذهن هیچ‌کسی در آن روزهای آغازین خطور هم نمی‌کرد. درباره اختلافات ایران و عراق پیش از سال ۱۳۵۹ و شروع جنگ در خاطرات آنها که مسئولیتی داشتند؛ سخنان بسیاری رفته است؛ مثلاً ابراهیم یزدی که در دولت موقت مهدی بازرگان وزیر امور خارجه بود؛ در کتاب خاطرات خود درباره رفتار عراق نسبت به ایران تازه‌انقلاب‌شده چنین نوشته است: «هنوز چند روزی از شروع به کار دولت موقت نگذشته بود که خبر رسید هواپیماهای عراقی چندین دهکده مرزی ایران را بمباران کرده‌اند. انتشار این خبر، موجی از واکنش‌های منفی در میان مسئولان ایران، در شورای انقلاب و در میان اعضای دولت موقت به وجود آورد. در شورای امنیت ملی ایران، که من هم به‌عنوان معاون نخست‌وزیر در امور انقلاب شرکت می‌کردم، پیشنهادی مطرح شد که واحدهایی از ارتش برای مقابله با تهدیدهای عراق به مرز اعزام شوند... حل مشکل سیاست تهاجمی عراق به ایران را نظامی نمی‌دانستیم. در همان اسفندماه... سناریوی تقابل با انقلاب و پیش‌بینی حمله عراق به ایران... مطرح شد و بر این توافق شد که سعی شود مسئله از طریق دیپلماسی حل شود؛ بنابراین، جمع‌بندی دولت موقت در مورد عراق از همان آغاز شروع به کار این بود که حمله عراق به ایران اگرچه قابل پیش‌بینی است، اما غیرقابل پیشگیری نیست و اولین گام، اتخاذ سیاست حُسن همجواری و پرهیز از دادن هرگونه بهانه‌ای به دولت عراق است.» بر همین اساس رویکرد تقابل‌گرایانه دولت عراق نسبت به ایران در همه این روزهای پس از پیروزی انقلاب تا شروع جنگ وجود داشت تا اینکه روز ۳۱ شهریور به حمله‌ای جنگ‌طلبانه تبدیل شد که روایت‌های مختلفی درباره آن روزها که امروزه با نام هفته دفاع مقدس از آن یاد می‌کنیم، وجود دارد. در ادامه به برخی از این خاطرات می‌پردازیم.

### ایران در آغاز جنگ از زبان سیاسیون

«ساعت ۱۸ امروز مزدوران بعث عراق با سلاح‌های سنگین و شلیک آر.بی. جی. ۷ پاسگاه ترمینال نظامی بندر خرمشهر را به گلوله بستند و در پی آن قوای نظامی ایران با آتش سلاح‌های سنگین، دو ناوچه عراقی را در آب‌های عراق به آتش کشید. طی این درگیری‌ها که در سراسر نوار مرزی خرمشهر صورت گرفت، ۱۵ تن از نظامیان ایران زخمی شدند که ۲ تن از آنان در بیمارستان‌های خرمشهر به درجه شهادت نائل آمدند... به دنبال درگیری‌های شدید امروز، قوای نظامی ایران کلیه مرزها را در منطقه جنوب و جنوب غربی ایران زیر کنترل شدید گرفت و شلمچه خرمشهر [از پل نوبه به طرف بالا] خالی از سکنه شد.» این متن، بخشی از کتاب تصمیم صدام به جنگ علیه ایران نوشته نعمت‌الله سلیمانی است که در این بخش شروع تحرکات برای آغاز جنگ را در دوروز پیش از تاریخ رسمی آن یعنی ۳۱ شهریور به تصویر کشیده است.

### ۱. آیت‌الله علی خامنه‌ای که در آن روزگار

نماینده امام خمینی در شورای عالی دفاع بودند، درباره شروع جنگ چنین گفته‌اند: «یکی از هیجان‌انگیزترین

